

گزیده‌ای از کتاب قصه فراق

نوشته رضا اخوی

# کلاف عشق

روایتی نواز مفهوم انتظار

با الهام از آموزه‌های سوره مبارکه یوسف عَلَيْهِ السَّلَام





## فهرست

|    |                       |
|----|-----------------------|
| ۲  | مقدمه .....           |
| ۴  | زیباترین داستان ..... |
| ۶  | رؤیا .....            |
| ۷  | خواب .....            |
| ۹  | برگزیده .....         |
| ۱۰ | اشک مصنوعی .....      |
| ۱۲ | وسوسه .....           |
| ۱۳ | انگشت به دهان .....   |
| ۱۵ | ثمن بخس .....         |
| ۱۶ | حفظ حرمت .....        |
| ۱۷ | نقطه شروع .....       |
| ۱۹ | پناه .....            |
| ۲۰ | دلبرهای مجازی .....   |
| ۲۱ | زلیخا .....           |
| ۲۲ | عشق واقعی .....       |
| ۲۳ | فرصت جبران .....      |
| ۲۵ | خیانت .....           |

## مقدمه

روزی که یوسف را برای فروش به بازار مصر بردند، شور و هیاهویی وصف ناشدنی در میان مردم برپا شد. حضرت بر جای بلندی ایستاده بود و زیبایی، معنویت و نورانیت خدایی‌اش دل‌ها را به کمند می‌کشید. خریداران چنان فریفته شده بودند که مشت‌ها را پر از زر کرده بودند تا به هر قیمتی که شده، او را از آن خود کنند.

در میان غوغای بازار، پیرزنی فرتوت و خمیده، نگاه خریداران را به خود جلب کرد. او در میان جمعیت می‌دوید و با صدایی بلند فریاد می‌زد: «من هم خریدار زیباروی کنعانم! این غلام را به من بدهید. حاصل یک عمر کار و زحمت من، این چند رشته کلاف است. بگیرید و در عوض، یوسف را به من بدهید!»

اگرچه خنده‌های تمسخرآمیز در میان جمعیت پیچید و بسیاری، پیرزن را دیوانه خواندند، اما او بی تفاوت به نگاه‌های تحقیرآمیز، با صدایی آرام اما محکم، جمله‌ای گفت که لرزه بر اندام همگان انداخت: «مطمئن بودم که یوسف را به بهای ناچیز من نخواهید داد، آنچه گفتم تنها برای این بود که همه بدانند من هم خریدار یوسفم و در بهایش، آنچه دارم، می‌دهم. برای من همین افتخار بس که از این پس همه خواهند گفت که این پیرزن هم خریدار یوسف بود».<sup>۱</sup>

خوب می‌دانیم که همه تلاش‌ها و صرف تمام عمر در راه شناختن و شناساندن یوسف زهرا علیها السلام، حتی به اندازه یک تار از کلاف آن پیرزن هم نمی‌شود. با این حال، منتظران باید تمام توان و همت خود را به کار گیرند تا در هر فرصت، نام خود را در صف عاشقان و آرزومندان دیدار حضرت ثبت کنند.

آنچه در این جا آمده، بهانه‌ای است برای ابراز علاقه به منجی موعود و ثبت شدن در صف آرزومندان نگاه آن

---

۱. علامه مجلسی، حیات القلوب، ج ۲، ص ۶۵۰ امین، مخزن اللالی، ص ۴.

حضرت. به امید آنکه ناهم‌هنگی‌ها، آسیب‌ها و فاصله‌های موجود میان آن حضرت و یک منتظر واقعی، به کمترین حد ممکن برسد:

«يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضْعَةٍ مُّزْجَلَةٍ فَأَوْفِ  
لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ»<sup>۱</sup>

بی‌قدریم نگر که به هیچم خرید و من  
شرمنده‌ام هنوز، خریدار خویش را

### زیباترین داستان

این سوره، روایت عشق است؛ اصیل‌ترین، خالص‌ترین و پرجاذبه‌ترین اهرم جذب دل‌ها. داستان یوسف، حکایتی عاشقانه است که از عشق ناپاک و گذرای زلیخا به یوسف آغاز می‌شود و به عشق پاک و بی‌پایان یوسف به خدای عاشقان ختم می‌گردد. داستان این سوره، تصویرگر میدانی است که یک‌سوی آن زندگی با رنگ و بوی شهوت‌ها، خواسته‌های نفسانی و عشق ناپاک است و در سوی دیگر، خداخواهی، عشق به معنویات،

مبارزه با وسوسه‌ها، امید به آینده، صبر و بردباری و «زندگی با رنگ و بوی خدا».

این سوره، «احسن القصص» است: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ»؛<sup>۱</sup> زیرا از دیوارهای عشق‌های زودگذر دنیوی سخن می‌گوید، دیوارهایی که زلیخاهای دنیا می‌سازند تا راه رسیدن به عشق حقیقی را سد کنند. زیباترین داستان است چون به عاشقان می‌آموزد برای رسیدن به یار، باید از کمند و دام زلیخاها بگریزند تا به وصال عشق مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ تَعَالَى برسند.

این سوره جذاب، نمایش ماندگار و دائمی از صفحات زندگی انسان در همه زمان‌ها است. اینکه همیشه یوسفی هست که مورد نامهربانی قرار می‌گیرد و مخالفانی که برای منافع زودگذر دنیوی، حاضرند او را به قیمتی ناچیز بفروشند و روزگار بگذرانند

---

۱. «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْغَافِلِينَ؛ ما با این قرآن که به تو وحی کردیم بهترین داستان را بر تو بازگو می‌کنیم، درحالی‌که تو پیش از آن، از بی‌خبران بودی». یوسف، آیه ۳.

## رؤیا

خیلی‌ها خواب می‌بینند، رؤیا و کابوس می‌بینند؛ رؤیاهایی که گاه آشفته و نمایی از حوادث روز، دل‌نگرانی‌ها و آرزوهای آنان است. اما اندک دل‌هایی هستند که فارغ از رؤیاهای باطل، از معنویت و نورانیت شکوفا شده و رؤیای صادقه می‌بینند؛ خواب‌هایی واقعی که دیر یا زود به حقیقت می‌پیوندند.

یوسف نیز رؤیای صادقه‌ای دید و آن را برای پدر خود بازگو کرد: «إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ؛ آنگاه که یوسف به پدر خود گفت: ای پدر! همانا من (در خواب) یازده ستاره با خورشید و ماه دیدم که در برابر من سجده می‌کنند».<sup>۱</sup> رؤیایی که پس از گذر از دشواری‌ها و پیچ‌وخم‌های مختلف، محقق شد و صداقت یوسف بر همگان آشکار گردید.

شیعیان و منتظران نیز رؤیای صادقه‌ی ظهور را در سر دارند. آرزویی که به گفته آموزه‌های دینی، دیر یا زود اتفاق می‌افتد و دنیا

---

۱. یوسف، آیه ۴.



با حضور منجی موعود، به دست صاحبان اصلی مدیریت خواهد شد.<sup>۱</sup>

## خواب

مخالفان و بدخواهان همیشه در تلاش‌اند با نقشه‌ها و فتنه‌های خود، مسیر حقیقت را مسدود کرده و آن را در هاله‌ای از ابهام پنهان کنند تا به اهداف باطل خود دست یابند. غافل از اینکه مکرشان در برابر اراده الهی، همچون تارهای عنکبوت است که با کوچک‌ترین نسیمی فرومی‌ریزد و نابود می‌شود.

وقتی یوسف خوابش را برای پدر تعریف کرد، یعقوب گفت:

«ای پسرکم! خوابت را برای برادرانت بازگو مکن که برایت

نقشه‌ای (خطرناک) می‌کشند».<sup>۱</sup>

---

۱ . پیامبر اعظم ﷺ فرمودند: «سوگند به آن‌که مرا به حق، به پیامبری برانگیخت، اگر از [عمر] دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند عز و جل آن روز را چندان به درازا می‌کشد تا در آن، فرزندم مهدی ظهور کند. پس روح خدا عیسی بن مریم، فرود می‌آید و پشت سر او نماز می‌گزارد و زمین به نور او روشن می‌شود و حکومت او، شرق و غرب را فرا می‌گیرد». شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۲۸۰، ح ۲۷؛ ازبلی، کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۹۷؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۱، ح ۱۲.

از روزی که خداوند اتمام نعمتش را در غدیر خم اعلام کرد، انواع دشمنی‌ها و فتنه‌ها آغاز شد. منافقان و بدخواهان با ترفندهای شیطانی خود تلاش کردند مسیر امامت اهل بیت علیهم‌السلام را منحرف کنند، غافل از اینکه مکر و حيله‌ها هرگز نمی‌توانند اراده الهی را تغییر دهند و در نهایت، اتمام نعمت در دوران ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف اتفاق خواهد افتاد.

امروزه این نقشه‌ها و فتنه‌ها برای تغییر محاسبات ذهنی منتظران مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، با شدت هرچه بیشتر از طریق فضای مجازی و حقیقی ادامه دارد و شبکه‌های شیطانی با تارهای عنکبوتی خود، مشغول شبهه افکنی و ایجاد تردید در این واقعیت نورانی هستند.

این منتظران هستند که باید با تقویت باورها و داشته‌های معنوی و با توسل و توجه بیشتر به آن حضرت، دست و پای خود را از تارهای تنیده شده بر آن رها کنند و به‌سوی یار حرکت نمایند.

....→

۱. «قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ». یوسف، آیه ۵.

## برگزیده

در دستگاه آفرینش الهی، همه افراد یکسان نیستند و خداوند متعال بر اساس حکمت بی پایان خود، برخی از انسان ها را با توجه به شایستگی ها و استعداد های خاصشان، برای انجام مسئولیت های مهم برمیگزیند تا نقشی مؤثر در تحقق اهداف بلند الهی ایفا کنند.

وقتی حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام خواب سجده کردن یازده ستاره و خورشید و ماه را برای پدر نقل کرد. یعقوب عَلَيْهِ السَّلَام که با علم الهی خود از حوادث آینده باخبر بود، یوسف را برگزیده ای از نسل خوبان معرفی کرد و وعده رسیدن او به مقام شایسته را داد:

«كَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ... وَ يُنَمِّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِ

يَعْقُوبَ؛ و این گونه پروردگارت تو را برمیگزیند... و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام می کند»<sup>۱</sup>.

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام نیز برگزیده ای است از نسلی مبارک و مورد عنایت الهی، تا روزی که ظهور و قیام آخرین نفر از این سلاله پاک اتفاق بیفتد و دنیا معطر به عطر یوسف زهرا عَلَيْهَا السَّلَام گردد. برنده

---

۱. یوسف، آیه ۶.

و خوشبخت واقعی، شیعیان و منتظرانی هستند که شیرینی محبت و نگاه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را در قلب خود احساس کرده و برای تقویت آن تلاش می‌کنند

### اشک مصنوعی

در دنیای بازیگری، گاهی اوقات بازیگران برای ایفای نقش‌هایی که نیاز به گریه دارند، از تکنیک‌های مختلفی مانند یادآوری خاطرات غم‌انگیز، تصور موقعیت‌های دردناک یا حتی استفاده از قطره‌های اشک مصنوعی بهره می‌برند تا احساسات مشابه واقعی را به نمایش بگذارند.

در دنیای واقعی نیز گاهی اوقات افراد از اشک‌های مصنوعی و دروغین برای فریب دادن دیگران استفاده می‌کنند. آنان با ایجاد ظاهری پر از اندوه و درد، سعی دارند احساسات دیگران را تحریک کنند و از این طریق ترحم یا بخشش جلب کنند یا گناهان خود را پنهان سازند. اما این اشک‌ها در واقع، تنها تلاشی برای پوشاندن حقیقت و فریب دادن دیگران است.

وقتی برادران یوسف او را در چاه انداختند، سراغ پدر آمدند و شروع به ناله و زاری کردند و خود را داغدار و مصیبت زده فراق یوسف نشان دادند. انگار نه انگار که با دستان خود، یوسف را به قعر چاه انداخته، از دیده ها پنهان کردند و با چند درهم ناچیز و بی ارزش از مال دنیا، معاوضه نمودند: «وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ» (برادران یوسف) شب هنگام، گریان به سراغ پدر آمدند».

منتظر و دوستدار حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام نیز اگر ساعت ها در فراقش بنالد و هزاران بار در جلسات ذکر، دعا، ندبه و کمیل شرکت کند، اما گام عملی در تهذیب نفس، پاکی خود، خانواده و جامعه بر ندارد، ناله ها و گریه هایش مصنوعی و دروغین خواهد بود و دردی را دوا نخواهد کرد.

به عبارت دیگر، باید این حقیقت را پذیرفت که تنها اشک ریختن از فراق یار، بدون اصلاح رفتارها و شرایط زندگی، بی ثمر خواهد بود. اصلاح حجاب همسر و دختر، پرداخت واجبات مالی، تلاش برای پاک سازی محیط خانه از گناه، کسب رزق حلال، مراقبت و پرهیز از روابط با نامحرم و اطاعت از امام جامعه، همه

گام‌های عملی هستند که باید همراه با احساسات منتظران واقعی  
پیش بروند

### وسوسه

توجیه گناه و اشتباه، از خود گناه خطرناک‌تر است؛ زیرا وقتی  
فرد گنااهش را توجیه می‌کند، به نوعی حقیقت را از خود پنهان  
کرده و برای اشتباهاتش مجوز می‌سازد. این خودفریبی نه تنها  
موجب می‌شود که فرد از پذیرش خطای خود اجتناب کند، بلکه او  
را در مسیر تکرار اشتباهات و دوری از اصلاح قرار می‌دهد.

تأسف‌آور آن است که برخی افراد که از وسوسه‌ها و  
فراخوان‌های شیطان در گوشه و کنار دنیای حقیقی و مجازی  
آسیب دیده‌اند، به جای پذیرش اشتباه و تلاش برای جبران، به  
توجیه و بهانه‌تراشی روی می‌آورند و سعی دارند مسئولیت گناه  
خود را از دوش خود بردارند.

برادران یوسف وقتی گریه‌کنان پیراهن آغشته به خون یوسف  
را نزد پدر آوردند، یعقوب، فریب مظلوم‌نمایی و نقش بازی کردن  
آنان را نخورد و با نگاه الهی و روشن‌بینی پیامبرگونه خود، پرده از

حقیقت ماجرا برداشت و گفت: «بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً؛ یعنی می دانم راست نمی گویند و رفتارتان برگرفته از وسوسه‌ای است که نفس شما آن را طراحی کرده است».

اکنون نیز وسوسه‌های شیطانی و عشق به لذت‌های دنیوی و فریبندگی‌های آن است که انسان را به خودفریبی و توجیه اشتباهات و گناهان وامی‌دارد و برخی از شیعیان، دوستداران و منتظران را از مسیر هدایت و محبت امام زمان عَجَلُ اللَّهِ إِلَيْهِ دورتر می‌کند

### انگشت به دهان

گاهی اوقات، فرد به دلیل مواجهه با یک موضوع غیرمنتظره یا عجیب، دچار حالت بهت و شگفتی می‌شود و قادر به واکنش فوری نخواهد بود. در چنین لحظاتی، او با چشمانی حیرت‌زده، تنها با دهن باز و انگشت دردهان به آن موضوع نگاه می‌کند، گویی در تلاش است تا آنچه را دیده یا شنیده، باور کند.

وقتی چشم‌های کاروانیان به جمال یوسف افتاد، زیبایی‌اش آن‌ها را متعجب و انگشت به دهان کرد که چرا این نوجوان زیبارو را درون چاه افکنده‌اند: «يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ».

یوسف حضرت نرگس هم زیبایی است<sup>۱</sup> که به تعبیر پیامبر،  
زیبای بهشتیان است.<sup>۲</sup> بعضی از یاران خاص هم که حضرت را  
دیده‌اند، به شگفت آمده‌اند، اما دریغ که نالایق‌ها او را به چاه  
غیبت انداخته‌اند و حسرتش را به دل منتظران گذاشته‌اند.<sup>۳</sup>

دلبری دارم که از صاحب دلان دل می‌برد

غمزه‌ای مشکل گشا دارد که مشکل می‌برد

گر نقاب از چهره گیرد آن نگار نازنین

پرتو رخسار اش دل‌های مایل می‌برد

---

۱. درباره چهره آن حضرت، پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «مهدی از نسل من است. سیمایش چون ماه تابان و رنگش عربی (گندمگون) است». کشف الغمة، ج ۳، ص ۲۵۹ و امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «زیبا چهره و زیبا موی است و موی او بر شانه‌هایش فرو ریخته و درخشندگی چهره‌اش بر سیاهی محاسنش غلبه می‌کند». بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶.

۲. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در توصیف آن حضرت فرمودند: «الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلُ الْجَنَّةِ وَجُوهُهُ كَالْقَمَرِ الدَّرِّيِّ؛ مهدی، طاووس اهل بهشت است. چهره او مانند ماه درخشنده است». بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۵، باب اول، ح ۴۱.

۳. یوسف، آیه ۱۹.



## ثمنِ بخس

برخی چیزها قیمت ندارند، هرچقدر هم قیمت را بالا ببرند، هنوز هم اندر خم یک کوچه‌اند و تلاشان فقط حدس و گمان ذهن حقیر آن‌هاست.

در داستان حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام خداوند می‌فرماید: «وَشَرَّوْهُ بِثَمَنِ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ؛ و یوسف را به بهای کمی فروختند».<sup>۱</sup> یعنی اصلاً یوسف قیمت ندارد و هر قیمتی برای فروشش دریافت کنند، بازهم ارزان از کف داده‌اند. به عبارت دیگر، هرگاه انسان قدر و قیمت واقعی چیزها را نشناسد و آن را با بهایی اندک معاوضه نماید، کم‌فروشی کرده و متضرر می‌گردد.

کم‌توجهی یا غفلت درباره امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ نیز از جمله زیان و ضررهایی است که قابل جبران نیست و هر بهایی هم در مقابل آن دریافت کنند، بازهم ضرر کرده‌اند.

به قول حافظ:

---

۱. یوسف، آیه ۲۰.

یار مفروش به دنیا که بسی سود نکرد  
آنکه یوسف به زر ناسره بفروخته بود

### حفظ حرمت

یکی از امتیازات برجسته افراد دین‌دار، اُبَهِت و جذاییتی است که با حضورشان نمایان می‌شود. این شکوه و حرمت، تجسمی از جمال درونی و هیبت معنوی است که از عمق ایمان و پیوند قلبی با خداوند سرچشمه می‌گیرد؛ ترکیبی بی‌بدیل از مهربانی و اقتدار که نه تنها دل‌ها را تسخیر می‌کند، بلکه احترام را در جان‌ها می‌نشاند.

عزیز مصر وقتی یوسف را دید، اُبَهِت و جمال یوسف او را به اعتراف واداشت و سفارش کرد حرمتش را حفظ کنند و جایگاه و

منزلت او را محترم شمارند: «اَكْرَمِي مَثْوَاهُ؛ مقام او را گرامی دار(او را به دید برده، نگاه مکن).»<sup>۱</sup>

منتظران نیز اگر بدانند که تمام نعمت‌ها، زندگی و حتی نفس کشیدنشان به حرمت حضرت بقیةالله عجل الله تعالی فرجه الشریف است، حرمت او را با تمام وجود حفظ می‌کنند و لحظه‌ای از یادش غافل نمی‌مانند. افسوس واقعی برای شیعیان و منتظرانی است که کوتاهی‌هایشان در پاسداشت حرمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، جز شرمساری و عرق ندامت برایشان باقی نمی‌گذارد

### نقطه شروع

وقتی قرار است اتفاقی بزرگ و مهم رقم بخورد، مقدمات و بسترهای تلخ و شیرین آن به دقت کنار هم چیده می‌شود و تنها خداوند است که از همان ابتدا، انتهای آن را می‌بیند و از تمام جزئیات آن حادثه آگاه است. به عبارت ساده‌تر: آنچه ما به عنوان

---

۱. «اَكْرَمِي مَثْوَاهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا؛ مقام او را گرامی دار(او را به دید

برده، نگاه مکن) امید است که در آینده ما را سود برساند یا او را به فرزندی بگیریم». یوسف، آیه ۲۱.

حادثه می‌پنداریم، در حقیقت بخشی از طراحی الهی برای تحقق اراده‌ی اوست.

حضرت یوسف علیه السلام از چاه بیرون آورده می‌شود، سپس فروخته شده و وارد کاخ مصر می‌گردد. در اینجا قرآن می‌فرماید:

«وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ».

به عبارت دیگر، برای رسیدن یک فرد به جایگاه رسالتی که برای او مقدر شده، لازم است مراحل و مقدمات خاصی را طی کند. هرچند در این مسیر، فراق و وصال، گرفتاری‌ها و چالش‌های فراوانی پیش خواهد آمد، ولی وعده خداوند حتمی است و تحقق خواهد یافت. از این رو بعد از اتفاقات فراوان، دوباره در آیه ۵۰ می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ...».

ولادت حضرت مهدی موعود علیه السلام نیز نقطه آغازین حکومت و ولایت ایشان است، هرچند تا تحقق حکومت ظاهری آن حضرت، فاصله زیادی باقی است و منتظران باید از دشواری‌ها و چالش‌های فراوانی گذر کنند، تا به دوران باشکوه ظهور و

آرمان شهر مهدوی برسند. باین حال، وعده الهی قطعی است و تحقق آن حتمی خواهد بود.<sup>۱</sup>

### پناه

حتی اگر همه درها بسته به نظر برسند، بازهم جای امید هست. داستان یوسف پیامبر علیه السلام، گواهی روشن بر این حقیقت است. او باینکه می دانست تمام درها بسته هستند، اما به سویی درهای بسته دوید و با یک جمله خود را در پناه خدا قرار داد: «قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ؛ پناه به خدا که او پروردگار من است و مقام مرا گرامی داشته، قطعاً ستمگران رستگار نمی شوند».<sup>۲</sup>

منتظر، با تمام وجود می داند و از عمق جان باور دارد که هیچ پناهگاهی امن تر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست و هیچ فریادرسی دلسوزتر و تواناتر از او وجود ندارد. به همین دلیل، به جای چنگ زدن به هر تخته پاره ای به امید نجات و رهایی، دل به کشتی نجات می سپارد. او تنها از امام خود یاری می طلبد و در سایه دعا و

---

۱. «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ».

۲. همان.

توسل به آن وجود مقدس، مشکلات خود را حل می‌کند؛ چراکه اطمینان دارد هیچ گره‌گشایی تواناتر از او نیست و این توسل، کلید گشایش و آرامش اوست

### دلبرهای مجازی

بعضی چیزها آن قدر قدرتمند هستند که هوش از سر آدمی می‌برند، به گونه‌ای که عقل را به تعطیلی می‌کشاند و اراده را فلج می‌کنند. این‌ها همان وسوسه‌ها و خواسته‌هایی است که کنترل ذهن فرد را به دست می‌گیرد و با زدن چشم‌بند به فهم و اراده، او را به بیراهه سقوط و تباهی می‌کشاند: «قَالَ هِيَ رَاوَدَتْنِي عَنْ نَفْسِي؛ (یوسف) گفت: «او مرا با اصرار به سوی خود دعوت کرد!»<sup>۱</sup>.

زلیخا با دلبری‌ها و فریب‌هایش سعی کرد یوسف را از محبوب حقیقی‌اش جدا کند، اما با مقاومت یوسف عليه السلام در برابر وسوسه‌ها، ناکام ماند. امروز نیز زلیخاهای بی‌حیای فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در تلاش‌اند تا با چشم‌بند گناه و عشق‌های ناپاک، منتظران را از مولای خود دور کنند.. این همان تهدیدی

---

۱. یوسف، آیه ۲۶.

است که منتظران باید از آن آگاه باشند و همان طور که یوسف علیه السلام باایمان و اراده استوار در برابر فریب‌ها ایستاد، منتظران هم باید در برابر وسوسه‌ها مقاوم باشند و همواره در مسیر محبت مولای خود ثابت قدم بمانند

### زلیخا

بسیاری از داستان‌ها و شخصیت‌ها در تاریخ، فرهنگ و دین، نماد و کنایه‌ای از مفاهیم گسترده‌تر و حقیقت‌های بزرگ‌تر هستند که اغلب برای انتقال پیام‌های عمیق‌تر و آموزه‌های اخلاقی و معنوی کاربرد دارند.

در داستان یوسف، زلیخا، نماد عشق‌های دروغینی است که انسان را از مسیر واقعی دوستی با خوبان و برگزیدگان خداوند منحرف می‌کند. دوستی‌های حرام، تماشای ماهواره‌ها، گوش دادن به موسیقی‌های حرام، ارتباط با نامحرم و روابط هوس‌انگیز در دنیای مجازی و حقیقی، همه از زلیخاهای عصر حاضر هستند که آدمی را از رسیدن به حقیقت و معنویت و در نهایت، دیدار یوسف زهرا علیهما السلام، محروم می‌کند.

نمی‌توان زلیخا بود و خواستار یوسف شد. اگر کسی بخواهد به یوسف برسد، باید وجودش را از زلیخاهای حقیقی و مجازی پاک نماید تا لیاقت همراهی و همرنگی با یوسف پاک را داشته باشد. زلیخا نیز وقتی دست از گناه کشید و در مسیر توبه و اصلاح قدم گذاشت، به وصال یوسف رسید.<sup>۱</sup>

### عشق واقعی

عاشق واقعی، هیچ‌گاه از سرزنش‌ها و ملامت‌ها نمی‌ترسد و همه دشواری‌ها را به جان می‌خرد تا به محبوبش برسد. زلیخا وقتی دید همه او را به خاطر محبت یوسف سرزنش می‌کنند، زنان مخالف را جمع کرد و یوسف را به آن‌ها نشان داد و گفت: این همان کسی است که به خاطر محبتش از من بدگویی می‌کردید: «فَذَلِكَنَّ الَّذِي لُمْتَنِي فِيهِ؛ گفت: «این همان کسی است که به خاطر (عشق) او مرا سرزنش کردید».<sup>۲</sup>

---

۱. حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۴۷۱؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۲،

ص ۲۵ و ص ۲۸۲.

۲. یوسف، آیه ۳۲.



زلیخا برای برطرف کردن پیامدهای عشق مجازی و باطل خود، یوسف را به مخالفانش نشان داد که آنچه او را به خاطرش سرزنش و ملامت کردند، عشق و علاقه‌ای بود که به یوسف داشت. خوش آن روزی که منتظران و عاشقان یوسف فاطمه، عشق ناب و حقیقی آفرینش، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را به مخالفان و منکران نشان دهند و با صدای رسا بگویند: «این همان مهدی است که به خاطر او ما را ملامت می‌کردید!»

به‌راستی که همه ملامت‌ها و رنج‌ها به همین یک لحظه ناب و دل‌انگیز دیدار مولا می‌ارزد.

### فرصت جبران

خیلی‌ها زمین خوردن و سقوط را تجربه کرده‌اند، اما نکته‌ی اساسی اینجاست که زمین خوردن و سقوط نه‌تنها پایان راه نیست، بلکه می‌تواند نقطه شروعی برای شکوفایی و پیشرفت باشد. در واقع، زمین خوردن می‌تواند لحظه‌ای باشد که فرد به خود می‌آید، خود را بازبینی می‌کند و متوجه اشتباهات، ضعف‌ها و امید و اعتمادهای بیهوده خود می‌شود. البته در میان سقوط‌ها،

سقوط معنوی از دردناک‌ترین تجربه‌هایی است که گاهی به سختی قابل جبران است.

یوسف علیه السلام در زندان، پیش از آنکه به تعبیر خواب‌ها بپردازد، فرصت را غنیمت شمرد و گوشه‌ای از زیبایی‌ها و زشتی‌های دنیا را شرح داد. اینکه دنیای فانی با تمام زیبایی‌ها و فریب‌هایش، نمی‌تواند تکیه‌گاه دل انسان باشد و اگر انسان به‌غیر از خدا امید بندد و در جست‌وجوی کمک از غیر او باشد، سرانجامی جز سقوط و گمراهی ندارد: «مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ؛ این معبودهایی که غیر از خدا می‌پرستید، چیزی جز اسم‌هایی (بی‌مسما) که شما و پدران‌تان آن‌ها را خدا نامیده‌اید، نیست».<sup>۱</sup>

دنیای امروز منتظران نیز پر است از بهانه‌ها و وسوسه‌هایی که می‌تواند آن‌ها را به سقوط معنوی بکشانند؛ برداشت‌های شخصی و نادرست از دین، عشق‌های خیالی، آرزوهای واهی و زودگذر،

---

۱. یوسف، آیه ۴۰.

ثروت‌های فریبنده و مقام‌های گذرا، همه و همه می‌توانند فرد را از مسیر اصلی‌اش منحرف و زمین‌گیر کنند، اما منتظر واقعی، بنده خداست و تنها به او تکیه می‌کند: «خداوند فرمان داده که غیر از او را نپرستید! این است آیین پابرجا؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند».<sup>۱</sup>

### خیانت

خلوت‌ها، جلوه‌گر ایمان واقعی افراد است. هنگامی که جز خود و خدا کسی نیست، آن وقت است که می‌توان عمق ایمان و صداقت درونی را سنجید. در خلوت، هیچ‌چیز جز حقیقت وجود ندارد؛ نه ظاهری برای نمایش و نه نقابی برای پنهان کردن نیت‌ها. این لحظات، معیار خوبی برای سنجش داشته‌های معنوی است.

---

۱. «أَمَرَ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ». یوسف، آیه ۴۰.

شیعیان و منتظران تنها خود و خدایشان می‌دانند که در خلوت‌های حقیقی و مجازی چه کرده‌اند. همان زمان‌هایی که کشش‌های نفس اماره از یک سو و وسوسه‌های شیطان از سوی دیگر، آن‌ها را به سوی گناه و خیانت به آقایانشان می‌کشاند. خوشا به حال آنانی که از این موقعیت‌ها با سربلندی بیرون می‌آیند و خلوت‌هایشان، خرج انس بیشتر با خدا و امام زمان علیه السلام می‌شود. این افراد می‌توانند با سری افراشته و گردنی بلند، با افتخار این جمله‌ی یوسف علیه السلام را تکرار کنند:

«أَنْتَى لَمْ أَخْنُهِ بِالْغَيْبِ؛ من در نبودش به او خیانت نکردم».<sup>۱</sup>

بی‌گمان، با وجود تمام آلودگی‌ها و بدکاری‌ها، هیچ‌گاه نباید از رحمت وسیع الهی و نگاه مهربان امام علیه السلام مأیوس شد، بلکه باید از او یاری خواست تا از خیانت‌ها و سقوط‌های معنوی بیشتر جلوگیری شود و با عزمی راسخ، گذشته را جبران کرد. همان‌طور که حضرت یوسف علیه السلام در قرآن می‌فرماید: «و من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم، چراکه نفس آدمی بدون شک همواره به بدی امر

---

۱. یوسف، آیه ۵۲.

می‌کند، مگر آن‌که پروردگارم رحم کند که همانا پروردگار من  
آمرزنده مهربان است»<sup>۱</sup>.

---

۱. «وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالشُّوْعِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ».